پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۴ پاییز ۱۴۰۰

No.44 Fall 2021

۳۸-۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵

مطالعه شمایل‌شناسی کتیبه‌های بناهای صفوی سرایان

➢ **انوشه طاهری:** کارشناس ارشد، گروه هنر اسلامی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر، تهران، ایران (anooshehtaheri63@yahoo.com)

➢ **فرهاد خسروی بیژائم*:** استادیار، گروه کتابت و نگارگری، دانشکده صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

چکیده

سرایان ازجمله شهرهای خراسان جنوبی است که به دلیل قرارگیری در مسیر ارتباطی جادۀ خراسان بزرگ و به‌موجب توسعه و آبادانی آن در ادوار مختلف تاریخی، آثار معماری مذهبی و غیرمذهبی بسیاری را در خود گنجانده است. در پژوهش حاضر، کتیبه‌های بناهای دوره صفوی سرایان از منظر شمایل‌شناسی موردمطالعه قرارگرفته است. بدین منظور، نخست، معرفی و دسته‌بندی کتیبه‌های صفوی شهر سرایان و سپس، بررسی و تحلیل مضامین هر یک از این کتیبه‌ها، صورت گرفته است. تحلیل و کشف زوایای ناشناخته باورها، اعتقادات و جهان‌بینی مستتر در کتیبه‌ها که باعث شکل‌گیری آن‌ها شده، اصلی‌ترین هدف این پژوهش است. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از این‌که علل ایجاد کتیبه‌ها و بسترهای فکری و اجتماعی بانیان و سازندگان، در شکل‌گیری آن‌ها چیست؟ در راستای دستیابی به پاسخ این پرسش، ٦ کتیبه سنگی که مربوط به دوره صفوی بوده است، شناسایی‌شده که در پژوهش حاضر موردبررسی قرار می‌گیرد. گردآوری اطلاعات به روش میدانی و کتابخانه‌ای است و روند تحلیل و تفسیر آثار با رویکرد شمایل‌شناسی (آیکونولوژی) اروین پانوفسکی صورت گرفته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که کتیبه‌ها در این منطقه، کارکردی تبلیغاتی دارند و همچون مبلغان مذهبی عمل می‌کنند. نصب این آثار در دید عموم، تشویق و ترغیب بانیان به پاداش اُخروی، اشاراتی متعدد به تفکرات و عقاید شیعی و نعت پادشاه، دلایلی است محرز بر ساختار تبلیغاتی این آثار. به عبارتی، یکی از مهم‌ترین بسترهای زمینه‌ساز این کتیبه‌ها، تلاش آگاهانه در ارائه و ترویج باورهای شیعی جهت مقابله با همسایگان مهاجم شرقی بوده است.

واژگان کلیدی: کتیبه‌نگاری صفوی، بناهای صفوی سرایان، شمایل‌شناسی

Abstract

Sarayan is one of the cities of South Khorasan which due to being located on the communication route of the Great Khorasan Road and due to its development in various historical periods, it has included many religious and non-religious architectural works. In the present research, the inscriptions of the Safavid monuments were studied from an iconological perspective. For this purpose, firstly, introducing and categorizing the Safavid inscriptions in Sarayan city, and then analyzing the contents of each of these inscriptions will be done.The main purpose of this research is to analyze and explore the unknown aspects of beliefs and worldviews that have shaped these inscriptions.Therefore, the main question of this research is as follows: What are the reasons for the creation of the inscriptions and social and intellectual contexts of the creators in their formation as artifacts left over from the Safavid era? In order to answer this question, six stone inscriptions identified from the Safavid period constitute the statistical population of the present study. Data were collected by field and library method.The process of analysis and interpretation of the works has been done by the iconology approach of Erwin Panofsky.The results show that the inscriptions, along with the historical aspects, also had a propaganda function and sometimes acted as religious propagandists, while encouraging observers to have hidden references to Shiite thought and beliefs.In other words, one of the most important underlying contexts of these inscriptions has been the conscious effort to present and promote Shiite beliefs to confront the aggressive Eastern neighbors.

Keywords: Safavid Inscriptions, Safavid Monuments of Sarayan, Iconology.

*نویسنده مسئول مکاتبات: (۰۹۱۵۵۶۲۳۴۷۷) (farhadkhosravi121@yahoo.com)

مقدمه

دوران صفوی نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود، زیرا تا آن زمان حکومت‌هایی که بر ایران حکومت کردند، عمدتاً دولت‌های ترکی-مغولی و غالباً دست‌نشاندهٔ دستگاه خلافت عباسی بودند که مذهب تسنّن داشتند. صفویان قبل از هر چیز ایرانی بودند و نخستین دولت مستقل در ایران را بعد از سقوط امپراتوری ساسانی پدید آوردند. در این دوره، مرزهای سنتی و بسیاری از ارزش‌های ایران باستان که بعد از حمله اعراب به دست فراموشی سپرده‌شده بود، احیاء گردید (سیوری، ۱۳۹۶: ۲۶). تغییر مذهب رسمی کشور از تسنن به تشیع در این دوره، باعث رونق و توجه بیشتر حکام به مشهد و خراسان جهت زیارت امام رضا(ع) شد. در سرایان نیز که در مسیر کاروان‌های یزد به مشهد قرار داشت، همانند بسیاری دیگر از شهرهای این مسیر، بناهای عام‌المنفعه زیادی مانند کاروانسرا، آب‌انبار (حوض‌انبار) و حمام جهت رفع نیاز بومیان و زوّار، ساخته شد. بسیاری از این بناها حاوی تزئینات و بعضاً کتیبه‌هایی است که در عین درج نکات تاریخی، مضامین ویژه‌ای از دیدگاه‌های رایج در آن دوره را نیز بازگو می‌کند. در این پژوهش، از میان هنرهای وابسته به معماری، کتیبه‌های خوشنویسی موجود در بناهای صفوی شهرستان سرایان موردبررسی قرارگرفته است. تحلیل و کشف زوایای ناشناخته باورها، اعتقادات و جهان‌بینی مستتر در کتیبه‌ها که باعث شکل‌گیری آن‌ها شده، اصلی‌ترین هدف این پژوهش است. برای دستیابی به هدف کلی فوق، پرسش‌های زیر مطرح گردیده است: ۱. فرم و قالب شکلی کتیبه‌های صفوی بناهای سرایان چیست؟ ۲. کتیبه‌های صفوی بناهای سرایان، شامل چه مضامینی است؟ ۳. مبانی فکری و عقیدتی شکل‌دهنده این آثار بر پایه مطالعات آیکونولوژی چیست؟ در این پژوهش، ابتدا تفکرات مذهبی و فرهنگی رایج در قهستان -که شامل شهر سرایان نیز می‌شود- بیان و سپس شرحی از کتیبه و کتیبه‌نگاری در هنر اسلامی و گونه‌های مختلف طبقه‌بندی مضمونی آن‌ها ذکر گردیده است. در پایان نیز به معرفی، تحلیل و تفسیر کتیبه‌ها پرداخته شده است.

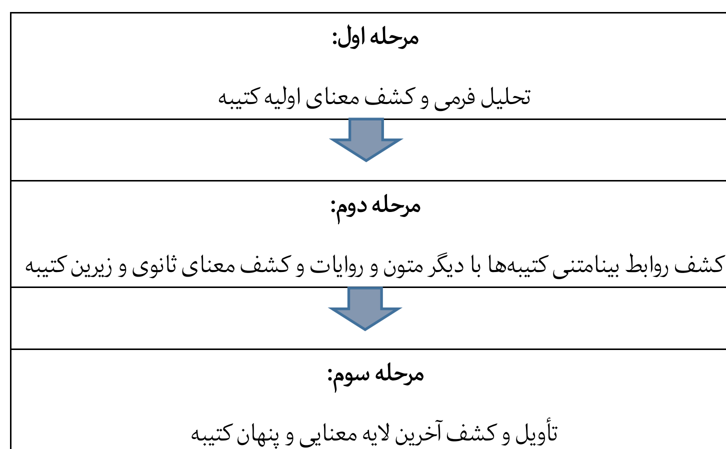
پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های منتشرشده در حوزه پژوهش حاضر، موارد زیر قابل‌ذکر است. بهرام عنانی در *بررسی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان سرایان* به بیان پیشینه تاریخی آن پرداخته، ولی سخنی از کتیبه‌های و خوانش آن‌ها به میان نیامده است. جواد نیستانی و همکاران در *بررسی باستان‌شناسی بافت تاریخی شهر سرایان* اشاراتی به نمونه‌های آماری این پژوهش داشته‌اند. بهرام عنانی و همکاران در *سیمای وقف نامه در آب‌انبارهای سرایان*، به کتیبه آب‌انبارهای این منطقه اشاره نموده‌اند. البته مؤلفین در خوانش و تحلیل برخی از کتیبه‌ها، نقایصی داشته‌اند. در پژوهشی دیگری، فرهاد خسروی بیژائم به *سیر تحول کتیبه‌نگاری نستعلیق در بناهای صفوی خراسان جنوبی* پرداخته و در خلال آن، به خوانش کتیبه‌های نستعلیق پرداخته است. در پژوهش مذکور، علاوه بر این‌که مبانی عقیدتی مدنظر نبوده، به کتیبه سنگی «آب‌انبار بالا» و «آب‌انبار محمد باقران» نیز اشاره نشده است. ازجمله پژوهش‌هایی که در حیطه کتیبه‌نگاری با رویکرد شمایل‌شناسانه صورت پذیرفته، می‌توان به اثر رباب فغفوری و حسن بلخاری با عنوان *بررسی تطبیقی مضمون کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و مبانی اعتقادی شیعه در دورهٔ تیموری و صفوی* اشاره کرد که درباره کتیبه‌های مسجد گوهرشاد انجام‌گرفته و نمونه‌های آماری آن از نظر زمانی و مکانی، شباهتی با پژوهش پیش رو ندارد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در پژوهش‌های فوق، مطالعه شمایل‌شناسی کتیبه‌های سرایان موردتوجه نبوده و پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار دارد و با به‌کارگیری رویکرد شمایل‌شناسی (آیکونولوژی) اروین پانوفسکی (۱۸۹۲-۱۹۶۸م)، به شرح سه سطح متفاوت از تجزیه و تحلیل آثار پرداخته است: توصیف پیش

آیکونوگرافی[1]، تحلیل آیکونوگرافیک[2] و تفسیر آیکونولوژیک[3]. این رهیافت گام‌به‌گام به شناسایی و تفکیک سه لایهٔ معنایی اولیه، ثانویه و محتوایی، به‌منظور دریافت پیام‌های پنهان در ورای عناصر ملموس آثار، مبادرت می‌ورزد.



محدوده زمانی این پژوهش دوره حکومت صفوی (۱۱۳۵-۹۰۶ق) و محدوده جغرافیایی آن، شهرستان سرایان در استان خراسان جنوبی است. در تمام‌شماری صورت گرفته، ٦ کتیبه سنگی در شهر سرایان مربوط به دوره صفوی شناسایی گردیده و نیز گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی، انجام شده است.

مروری بر اوضاع سیاسی و فرهنگی قهستان (اوایل اسلام تا دوره صفوی)

محدوده فعلی جنوب خراسان در طی ادوار مختلف تاریخی با نام قهستان معروف بوده است. قوهستان یا قهستان به معنی کوهستان، سرزمینی با کوه‌های بلند بین نیشابور و هرات است. ایالت قهستان در قدیم شامل قائن، تون (فردوس)، ترشیز (کاشمر)، زواره (تربت‌حیدریه)، بورجان (تربت‌جام)، باخرز، خواف، زیرکوه، دشت بیاض، گناباد، بجستان، طبس خرما، طبس مسینا، خوسف، بیرجند و مومن‌آباد بوده است (عزیزی،۱۳۷۷: ۱۰). قهستان درگذشته، مأمن فرقه‌های قبل از اسلام، مثل زرتشتی و مانوی بوده و بعد از اسلام نیز پناهگاه مناسبی شد برای اعراب شیعه‌مذهبی که از جور خلفای عباسی به دنبال مکان امن بودند. در دوره سامانیان با سیاست تساهل مذهبی آن‌ها، پای اسماعیلیه به خراسان باز شد (محمودی‌نسب، ۱۳۹۳: ۷۱) چنانکه پس از الموت مهم‌ترین پایگاه و پناهگاه اسماعیلیه به شمار می‌رفت (رضایی،۱۳۸۱: ۵۳-۵۱). غزنویان و سلجوقیان نسبت به شیعیان سخت‌گیر بودند و در پی تحمیل مذهبِ اشعری-شافعی اهل سنت بر مردم بودند. بااین‌وجود، اسماعیلیان در اصفهان و ری و خراسان فعالیت بسیار چشمگیری داشتند و ترویج تفکرات شیعی را به‌طورجدی، در قهستان، از قرن چهارم هجری پایه‌گذاری کردند. در پایان روزگار ایلخانیان، نهضت سربداران (۸۸۳ - ۷۳٦ق) در خراسان پدیدار گشت که تمایلات صوفیانه شیعی داشت و مورد اقبال مردم قرار گرفت (اشرفی، ۱۳۹۱: ۳).

در دورهٔ حکومت شاهرخ تیموری که هرات و نیمه شرقی کشور مرکز اصلی حکومت بود، شیعیان، از حسن رفتار و احترام زیادی برخوردار شدند. مهم‌ترین مشخصه‌های اعتقادی عصر تیموریان، نهضت‌های شیعی - صوفی بود که نعمت‌اللهیه و نوربخشیه بخشی از آنان بودند (سیوری، ۱۳۸۰: ۲٦). گره خوردن شعرای قهستان با تفکرات شیعی، با حضور شعرای نامدار صوفی مسلکی چون حکیم نزاری قهستانی (۷۲۰ -٦٤۵ق) و ابن‌حسام خوسفی (۸۷۵ - ۷۸۳ق)، خالق کتاب خاوران نامه، قابل تعمق است. باوجود

1 .Pre-iconographical Description

2. Iconographical Analysis

3.Iconographical Interpretation

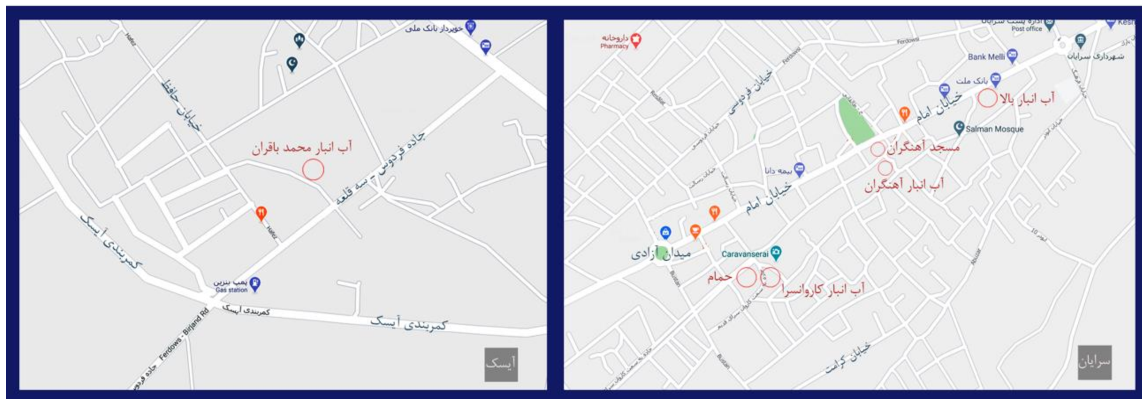
تسلط حکومت‌های سنی مذهب بر این خطه، گرایش به‌سوی خاندان اهل‌بیت و تصوف، قویاً در میان مردم خراسان وجود داشته است. با تأسیس خانقاه‌ها، طریقه‌ها و رسم سماع نخست در خراسان سامان یافت و نیز در میان صوفیان خراسان بود که نوعی شعر عارفانه پیدا شد که مضامین لاهوتی و ناسوتی را تلفیق کرد (جمال، ۱۳۸۳: ۱۰۱-۹۹). در کنار فرقه‌های شیعی همانند اسماعیلیان و زیدیان، گروه دیگری از شیعیان بودند که بعد از جعفر صادق(ع)، فرزند او، موسی کاظم(ع) و پس از ایشان به ترتیب تا امام دوازدهم را ائمه خویش می‌دانستند که به «اثنی‌عشری» یا دوازده‌امامی شناخته می‌شوند. صفویان دودمانی بودند که در سال‌های ۹۰۶ق تا ۱۱۳۵ق (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۴۱، ۲۷) بر ایران فرمانروایی کردند. آن‌ها با استفاده از نیروی تفکرات اثنی‌عشری به قدرت رسیدند و عمداً به محو کردن شواهدی در مورد منشأ خود پرداختند و حتی نسب‌نامه رسمی تشکیل دادند که دودمان صفویه را، منسوب به علی(ع) و از فرزندان موسی کاظم(ع)، قلمداد می‌کرد (حافظ‌نیا و قلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴). با توجه به پیشینه تشیع در منطقه و قرارگیری بارگاه امام هشتم در خطه شرقی، لزوم رسیدگی بیشتر حکام به امنیت و آبادانی منطقه، جهت رسیدن به اهداف سیاسی-مذهبیشان، قابل‌فهم است.

در ابتدای این دوره، خراسان هم‌جوار مرزهای دولت سنی مذهب ماوراءالنهر بود. در این منطقه، دولت شیبانی به‌وسیله شیبک خان اداره می‌شد. او در ۹۱۳ق تا ۹۱۶ق بر خراسان حاکم بود. اگرچه در نبرد مرو به دست شاه اسماعیل کشته شد، ولی حملات ازبکان در سراسر دوره صفویه کم‌وبیش ادامه داشت (اشرفی، ۱۳۹۱: ۱۵). شاهان صفوی از شاه اسماعیل تا شاه‌عباس، هرات را به‌عنوان مقر شاهزادگان قراردادند تا بتوانند دژی محکم در برابر حملات ازبکان بسازند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷۱). وجود مرقد امام هشتم در خراسان و حملات مداوم ازبکان به این منطقه، از دلایل رسیدگی و سرکشی مداوم پادشاهان صفوی بود (اشرفی، ۱۳۹۱: ۱۱) و به همین دلیل، تجارت در این منطقه رونق گرفت، داد و ستد فزونی یافت و آب‌انبارها و مساجد و مدارس بسیاری ساخته شد (نوایی و غفاری‌فرد، ۱۳۹۲: ۳۹۴-۳۹۵). این پیش‌زمینه مختصر جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی قهستان از گذشته تا دوره صفوی، مقدمه‌ای است بر معرفی شهر سرایان و سپس جامعه آماری پژوهش حاضر.

سرایان بخشی از قهستان پیشین

شهرستان سرایان واقع در استان خراسان جنوبی، یکی از مناطق قدیمی و کهن قهستان با سابقه چند صدساله است که از مجموع آثار آن، تعداد ۳۷ اثر در فهرست آثار ملی کشور ثبت‌شده (محمودی‌نسب، ۱۳۹۳: ۹۴) و اوج شکوفایی آن در دوران صفویه، به‌خصوص دوره شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ق) بوده است. حملات ازبکان، ترکمن‌ها و بلوچ‌ها باعث شد شاهان صفوی به این منطقه توجه زیادی کنند و جمعیت رو به افزایش گذارد. آب‌انبارها و مساجد زیادی در آن ساخته شد و شهر دارای برج و بارو گردید. بیشترین بنای ثبتی و غیر ثبتی شهرستان سرایان را آب‌انبار (حوض انبار) تشکیل داده و در مرحله بعد، خانه، برج، مسجد، آسیاب، حمام و کاروانسرا قرار دارد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۰). ازجمله بناهای حاوی کتیبه باقیمانده از دوره صفوی در این شهر می‌توان به: حمام سرایان (۹۵۱ق)، مسجد آهنگران (۱۰۴۵ق)، آب‌انبار کاروانسرا (۱۰۷۵ق)، آب‌انبار محمد باقران آیسک[1] (۱۰۸۸ق)، آب‌انبار آهنگران (۱۱۰۴ق) و آب‌انبار بالا اشاره کرد (تصویر ۱). با توجه به عدم وجود کتیبه‌های دیگری در بناهای ذکرشده، آثار این پژوهش، الواح سنگی ساده‌ای هستند که «متن» در آن‌ها حائز اهمیت است و بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی دارند. شیوه حجاری با اقلیم این منطقه و شرایط آب‌وهوایی نیز سازگار بوده است و در مقایسه با سایر شیوه‌های اجرایی دیگر، ماندگاری بیشتری در برابر گذر زمان و فرسایش از خود نشان می‌دهد و نیز عدم عمومیت و رواج کاشی در کل بناهای منطقه مشهود است.

۱. شهر آیَسْک، مرکز بخش آیسک در شهرستان سرایان است که ۱۵ کیلومتر با سرایان فاصله دارد.



تصویر ۱: موقعیت بناهای تاریخی سرایان و آیسک، از راست: آب انبار بالا، مسجد و آب انبار آهنگران، آب انبار کاروانسرا، حمام سرایان و آب انبار محمد باقران آیسک (URL) (نشان‌گذاری: نگارندگان)

کتیبه و کتیبه‌نگاری

واژه کتیبه (کتابه) در خوشنویسی دو بار معنایی مشابه و درعین‌حال متفاوت دارد. در کاربرد اول، کتیبه به اثری گفته می‌شود که با قلم خوشنویسی جلی نوشته‌شده باشد. در این معنا، پهنای قلم از حدود شش میلی‌متر تا دو سانتی‌متر را شامل می‌شود و اما در کاربرد معنایی دوم، کتیبه به اثری گفته می‌شود که بر سطحی غیر از کاغذ مثل گچ، سنگ، کاشی، فلز و غیره در بناهای تاریخی اجراشده باشد (خسروی‌بیژائم، ۱۳۹۵: ۶) که در این پژوهش، بار معنایی دوم مد نظر است. کتیبه‌نگاری، زبانی بصری است که در فضاهای معماری با توجه به چگونگی و چرایی انتخاب مضامین با هدف بیانگری و تأیید مبانی دینی و اعتقادی حاکم بر مرزهای سیاسی عمل می‌کند. مرام‌های سیاسی و مذهبی اغلب باهم درمی‌آمیزند تا گرایش‌های سلطه‌جویانهٔ خود را میسر سازند و خط برای تحقق اهداف آن‌ها و ماندگاری و نفوذ بیشتر در اذهان بشری، ابزاری مطلوب به شمار می‌آید (گاور، ۱۳۶۷: ۲۲۸).

کتیبه‌ها از مهم‌ترین اجزاء ثبت تاریخ هستند که نقش مهمی را در آشکار کردن هویت بنا، سازنده، خطاط، بانی، حامی، واقف و تاریخ ساخت بنا ایفا می‌کنند. علاوه بر این، اطلاعات ارزشمندی از اوضاع مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در خود دارند. جنس و مواد مورد استفاده در کتیبه‌ها نیز دارای اهمیت بوده و ارزش زیباشناسانه و عیار بالای خط و نوشتار در کتیبه‌ها و به‌ویژه مضامین به‌کاررفته در آن، باعث جلب‌توجه بسیاری از پژوهشگران شده است. بیشتر کتیبه‌ها شامل عدد و رقم هستند که گاهی با استفاده از حروف ابجد به‌صورت رمزآلود در متن کتیبه گنجانده شده است.

در دسته‌بندی مکی‌نژاد، کتیبه‌ها، بر اساس فرم قالب، نوع خط، موضوع، جنس و نوع مصالح، نوع بنا و کاتبان طبقه‌بندی‌شده است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸۷)، اما در کتاب کتیبه‌های یادمانی فارس، کتیبه‌ها از منظر متنی و مضمونی به دسته کتیبه‌های دینی، اشعار فارسی و عربی تقسیم می‌شود (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۷). بلر، در گونه شناسی متن کتیبهٔ بناهای ایران و ماوراءالنهر در سده‌های نخست دوران اسلامی، کتیبه‌ها را برحسب مضمون به دو گروه تاریخی و غیر تاریخی تقسیم کرده است که کتیبه‌های تاریخی، زیرمجموعه‌ای چون انواع احداثیه، وقفیه، احکام و قوانین، تدفینی، یادگاری و رقم معماران را در برمی‌گیرد (بلر، ۱۳۹۴: ۴). خسروی‌بیژائم کتیبه‌ها را به سه گروه مذهبی، تاریخی و ادبی دسته‌بندی کرده (خسروی‌بیژائم، ۱۳۹۵: ۱۱۴) که همین شیوه دسته‌بندی اخیر در این پژوهش لحاظ شده است.

خطوط رایج در کتیبه‌نگاری اسلامی، به لحاظ دورهٔ تاریخی، نوع متن و محل نصب کتیبه متفاوت است. برخلاف کتیبه‌های قرون اولیه اسلامی که با خط کوفی و پس‌ازآن با قلم نسخ نگارش شده‌اند، در بیشتر کتیبه‌های دوره صفوی، دو قلم نستعلیق و ثلث و یا تلفیق هر دو قلم، رایج است که در آثار این پژوهش نیز همین ویژگی رعایت شده است. کهن‌ترین کتیبه‌نگاری به خط ثلث و خطوط شبیه آن به آثار قرن

ششم می‌رسد. از نیمه سده نهم کاربرد اقلام سته رو به کاهش رفت و قلم نستعلیق جای آن‌ها را گرفت. خط نستعلیق از ابتدای قرن نهم هجری در نسخه‌پردازی متون ادبی گسترش یافت و در اواخر همین قرن بود که به‌طور محدود در کتیبه‌نگاری نیز به کار رفت. بی‌تردید نستعلیق، یا «عروس خطوط اسلامی» یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای هنرمندان مسلمان است (شیمل، ۱۳۶۸: ۶۰). بیشترین کتیبه‌های برجای‌مانده از دوره صفوی در محدوده شهر سرایان، حجاری‌هایی با قلم نستعلیق در الواح یکپارچه مستطیلی است.

شمایل‌شناسی (آیکونولوژی) کتیبه‌های صفوی سرایان

خوشنویسی اسلامی به‌عنوان شمایل‌نگاری اسلامی محسوب می‌شود که از بیانی غیر فیگوراتیو و نیمه فیگوراتیو بهره گرفته است. به عبارتی، این آثار بیان شمایل‌نگارانه آموزه‌های اسلامی هستند (نصری، ۱۳۹۲: ۹). در این پژوهش، بر پایه مطالعات آیکونولوژی اروین پانوفسکی، در سه مرحله به تجزیه و تحلیل جامعه آماری پرداخته‌شده است که شامل گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعاتی است که از هر کتیبه حاصل می‌گردد. در مرحله نخست این روش (پیش-شمایل‌نگارانه)، هنگام مواجهه با اثر هنری تنها می‌توان اثر را توصیف کرد، صرف‌نظر از اینکه پژوهشگر، علمی نسبت به آن داشته باشد یا نه. ویژگی‌های بصری کتیبه‌ها مانند نوع خط، رنگ، جنس، تناسب و ترکیب‌بندی کتیبه، در این مرحله بیان می‌گردد. خوانش صحیح و نوع کتیبه نیز که محرز کننده کارکرد اصلی اثر است، در این مرحله انجام شده است. در ذیل آثار پژوهش حاضر با توجه به سال نگارش، موردمطالعه قرار گرفته‌اند.

کتیبه حمام سرایان: حمام سرایان جزو معدود حمام‌های کتیبه دار دوره صفوی است. همچنین، قدیمی‌ترین بنای کتیبه دار سرایان است که در مجموعه تاریخی[1] در جنوب شرقی شهر قرار دارد. کتیبه به علت اقدامات مرمتی از محل اصلی جداشده و امروزه در مکانی نامعلوم نگهداری می‌شود. این کتیبه تاریخی-احداثیه، از جنس سنگ مستطیل شکل خاکستری‌رنگ به ٦ کادر مستطیلی یک اندازه تقسیم‌شده و قلم آن، نستعلیق است. روش اجرا حجاری است که با حاشیه زنجیره‌ای ساده‌ای زینت یافته است (تصویر ۲). فرم مستطیل شکل کتیبه با محدود کردن فضا توسط کادرها، به‌ویژه در مصرع پنجم، هماهنگی فرمی چندانی با خط نستعلیق ندارد. کتیبه حاوی شعری در سه بیت است: «بسعی دوست‌محمد بنا شد این حمام/ که باد تا بود این چرخ نیلگون[2] در سیر/ بروح والد خود ساخت این مقام لطیف/ که یادگار بماند در این قدیمی دیر/ یقین که نیت ساعی بخیر بود که یافت/ حساب سال بنایش خرد ز ساعی خیر». قالب شعر قطعه است که با احتساب ارزش عددی «ساعی خیر»، تاریخ ساخت این حمام، ۹۵۱ق به دست می‌آید که همزمان با حکومت شاه‌طهماسب است، البته در گوشه سمت چپ پایین کتیبه نیز عدد ۹۵۱ق ذکر گردیده است (خسروی‌بیژائم، ۱۳۹۷: ٦)

کتیبه مسجد آهنگران: مسجد آهنگران، بنای کوچکی با پلان مستطیل و ارتفاعی نسبتاً کم است که در محدوده بافت قدیم سرایان ساخته‌شده است. کتیبه حجاری این مسجد در بالای دیوار انتهایی رو به روی در ورودی نصب‌شده است. این کتیبه، سنگی مستطیل شکل خاکستری‌رنگ است که به ۸ کادر بیضی‌شکل مساوی تقسیم‌شده و هر مصرع از شعر در یک کادر قرار گرفته است (تصویر ۳). رعایت اصل تقارن در این اثر کاملاً ملموس بوده که با قلم نستعلیق بر روی یک خط کرسی با روش حکاکی اجراشده است و خوانش نسبتاً ساده‌ای دارد. قالب شعر قطعه و به شرح زیر است: «در زمان پادشاه دین و داد / آنکه از نوشیروان بربود گوی/ شاه دین‌پرور صفی کز شش‌جهت/ خسروان بر راه خاکش سوده روی/ ساخت قاسم مسجد[ی] کز فر لطف/ ریخت آب خلد را بر خاک کوی/ سال اتمامش چو جستم عقل گفت / جز ره مسجد مجوی ای خلد جوی». نوع کتیبه، تاریخی-احداثیه است که سازنده بنا فردی به نام قاسم ذکرشده و تاریخ ساخت بنا، با توجه به

۱. مجموعه تاریخی سرایان در گذشته مرکز شهر بوده و اکنون در جنوب شرقی شهر، در مقابل میدان کوثر قرار دارد که شامل مسجد، کاروانسرا، حمام و بازار است.

۲ . محمودی‌نسب آن را سهواً «عروج نیلگون» خوانده و تاریخ آن را ۱۰۰۱ق دانسته است (محمودی‌نسب، ۱۳۹۳: ۱٦۲).

حروف ابجد در مصرع آخر، ۱۰۴۵ ق یعنی هم‌زمان با حکومت شاه صفی (۱۰۵۱-۱۰۳۷ق) است. البته این تاریخ در حدفاصل مصرع‌های ٦، ۷، ۸ و ۹ به‌صورت عددی هم درج شده است.



تصویر ۲: کتیبه حمام سرایان (مأخذ: علی‌اصغر محمودی‌نسب)



تصویر ۳: کتیبه مسجد آهنگران سرایان (مأخذ: فرهاد خسروی‌بیژائم)

کتیبه آب‌انبار کاروانسرا: بیش از ٦۰ آب‌انبار در سرایان، ثبت‌شده و به دلیل همین تعدّد آب‌انبارها، در منابع، از سرایان به شهر آب‌انبارها یاد می‌کنند. شناسایی تعداد زیاد آب‌انبار (حوض انبار) در شهرستان‌های بشرویه، فردوس و سرایان نشان از عبور پی‌درپی کاروان‌های زیارتی حرم امام رضا دارد (عنانی، ۱۳۹۵: ۱۷). آب‌انبار کاروانسرا یا فاضلخانی که آن نیز در مجموعه تاریخی شهر واقع‌شده، بزرگ‌ترین آب‌انبار منطقه سرایان به شمار می‌رود (عنانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۷). کتیبه این بنا، سنگی مستطیل شکل از مرمر سفید با رنگ‌آمیزی سبز فیروزه‌ای است که به ۱۳ قسمت تقسیم‌شده است (تصویر ۴). متن کتیبه، ترکیب نثر و نظم به‌صورت عربی و فارسی است که متن عربی با قلم ثلث و متن فارسی به قلم نستعلیق است. این کتیبه از نوع تاریخی-احداثیه است و تنها در این کتیبه سرایان، به‌طور کامل نام بانی بنا به همراه رقم خوشنویس و نیز نام سراینده اشعار ذکرشده است. متن چهار سطر ابتدای کتیبه به قلم ثلث بدین شرح است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم اما بعد حمدالله بنیتها قربه الی الله تعالی و خالصا/ لمرضاته عندالله ملا میر التونی اطاعه لاشاره اخی الفاضل الکبیر و الکامل المحقق/ النحریر علاء الملک المخاطب بفاضلخان تقبل الله تعالی عنه و اشرکه فی صالح/ دعواتی رب اغفرلی و لاخی و ادخلنا فی رحمتک و انت ارحم‌الراحمین». رقم خوشنویس، در حدفاصل قاب‌بندی‌های ثلث و نستعلیق، در سطری بدون قاب‌بندی این‌گونه ذکر گردیده است: «کتبه العبد الضعیف درگاهقلی الشریف غفر ذنوبه». در ادامه، متن نستعلیق کتیبه این‌گونه خوانده می‌شود: «این برکه که می‌دهد ز تسنیم سروش/ چون گشت پدید/ زمزم شده از رشک زلالش مدهوش/ بی گفت و شنید/ تاریخ بناش از خرد جستم دوش/ از غیب رسید/ بر یاد حسین بن علی آب بنوش/ گو لعن یزید/ مولانا محمد زمان المتخلص بیزدی این رباعی مستزاد را در تاریخ حوض در سلک نظم کشید». با احتساب ارزش عددی مصرع پایانی این شعر که در قالب مستزاد سروده شده (بر یاد حسین بن علی آب بنوش، گو لعن یزید)، تاریخ ۱۰۷۵ق به دست می‌آید که هم‌زمان با سلطنت شاه‌عباس دوم است (خسروی‌بیژائم، ۱۳۹۷: ۹). خوشنویسی از عیار نسبتاً خوبی برخورداراست اما ترکیب‌بندی فشرده آن، باعث کم شدن فضای منفی (بیاض) خط شده است. الزام خوشنویس برای درج مطالب زیاد در کتیبه، باعث شده حروف، نظم هندسی دقیق نستعلیق قرن یازدهم را پیدا نکند. در نستعلیق، نوشتن بعضی از حروف یا کلمات، مانند دوایر یا کلماتی که به دایره ختم می‌شود، در کرسی دوم جایز نیست، که در این کتیبه اصول آن لحاظ نشده است. ازاین‌رو، می‌توان گفت کرسی و اتصالات حروف در این کتیبه تا حدی آشفته است.

کتیبه آب‌انبار بالا: در قسمت بالایی سر در ورودی این آب‌انبار، یک طاق نمای مستطیل افقی وجود دارد که داخل آن کتیبه‌ای سنگی نسبتاً تیره و به خط نستعلیق قرارگرفته است (تصویر ۵). متن کتیبه قصیده‌ای در هشت سطر به

این شرح است[۱]: «اندر زمان شاه سلیمان بنا نهاد/ حاجی محمد آنکه بود از اغنیا فره/ این برکه را براه خدا وقف عام کرد/ شاید ز کار او بگشاید خدا گره/ آبش لطیف و [...] که گوییا/ از سلسبیل خلد برین می‌کشد مزه/ تاریخ این بنا طلبیدم ز عقل گفت/ آبی بیاد تشنه‌لب کربلا بده [...]». با توجه به مضمون کتیبه و ذکر کلمه «وقف»، کتیبه از نوع تاریخی. وقفی است که در زمان شاه سلیمان صفوی، توسط شخصی به نام حاجی محمد ساخته‌شده و ماده‌تاریخ «آبی بیاد تشنه‌لب کربلا بده»، سال ۱۰۸۰ق به دست می‌آید.



تصویر ۴ : کتیبه آب انبار کاروانسرا سرایان (مأخذ: فرهاد خسروی‌بیژائم)

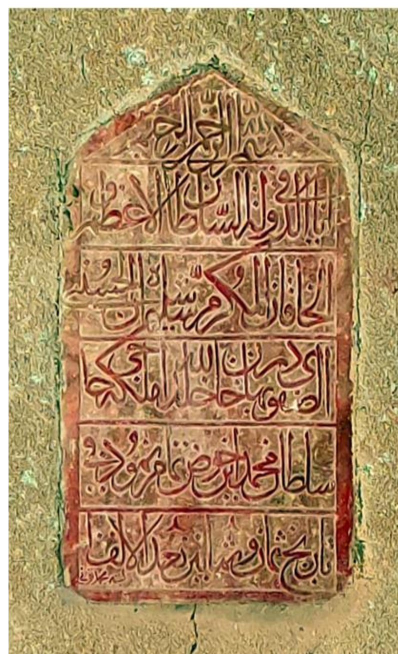


تصویر ۵ : کتیبه آب انبار بالا سرایان (مأخذ: سیده زینب تافته)

کتیبه آب‌انبار محمد باقران آیسک: آب‌انبار در شهر آیسک سرایان قرار دارد. کتیبه نصب شده در سردر آب انبار، از جنس مرمر آجری رنگ و به شکل محرابی است که به شش قاب افقی کشیده با ارتفاع یکسان تقسیم‌شده است. استفاده بجا و متعادل از الفها و افراشته‌های کشیده و بلند، رعایت حسن هم‌جواری حروف و نیز تنظیم موفق فضاهای مثبت و منفی در خوشنویسی این اثر، از عواملی است که آن را به‌عنوان خوش عیارترین نمونه در این پژوهش معرفی می‌کند. متن این کتیبه ثلث (تصویر ٦) که به خط محمد تونی نوشته‌شده؛ در شش سطر به‌قرار زیر است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم/ فی ایام الدوله السلطان الاعظم و/ الخاقان المکرم شاه سلیمان الحسینی/ الصفوی بهادرخان خلد الله ملکه حاجی/ سلطان محمد این حوض تمام نمود فی/ تاریخ ثمان و ثمانین بعد الالف ۱۰۸۸ کتبه محمد تونی».

کتیبه آب‌انبار آهنگران: آب‌انبار آهنگران که در نزدیکی مسجد آهنگران واقع است، بنایی متعلق به ۱۱۰۴ق است (محمودی‌نسب، ۱۳۹۳: ۱۹۱) و کتیبه تاریخی-احداثیه آن (تصویر ۷) در شش سطر به قلم نستعلیق و بدین شرح است: «هو در ایام پادشاه/ جمجاه ملائک سپاه شاه/ سلیمان الصفوی الموسوی/ بنا کرد این بقعه خیر جناب/ مرحمت پناه حاجی حمزه/ خلف مرحمت پناه میرزا [...] محمد سرایانی سنه ۱۱۰۴». بخش پایانی کتیبه دچار سایش شده و خوانایی کافی ندارد. این کتیبه سنگی خاکستری‌رنگ که شکل محرابی دارد، عیار خوشنویسی بالایی ندارد. تقارن در کتیبه غالب است و به احداث بنا توسط فردی به نام حاج حمزه در دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق)، اشاره می‌کند.

۱. خوانش دیگری با چند تفاوت توسط عنانی و همکاران ارائه‌شده، ولی ماده‌تاریخ قرائت نشده است (عنانی و همکاران، ١٣٩٤: ١٥٥).



تصویر ٦: کتیبه آب انبار محمد باقران آیسک (مأخذ: سید محمد معینی)



تصویر ٧: کتیبه آب انبار آهنگران سرایان (مأخذ: فرهاد خسروی بیژائم)

جهت سهولت در مقایسه و تطبیق مطالب، جمع‌بندی موارد فوق در قالب جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱: دسته‌بندی کتیبه‌های صفوی سرایان (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	بنا	نوع کتیبه	تاریخ	قلم	روش اجرا	متن	کاتب	شاعر	بانی
۱	حمام	تاریخی. احداثیه	(۹۵۱ق) شاه‌طهماسب	نستعلیق	حجاری	نظم	×	×	دوست‌محمد
۲	مسجد آهنگران	تاریخی. احداثیه	(۱۰۴۵ق) شاه صفی	نستعلیق	حجاری	نظم	×	×	قاسم
۳	آب‌انبار کاروانسرا	تاریخی. احداثیه	(۱۰۷۵ق) شاه‌عباس دوم	ثلث نستعلیق	حجاری	نثر و نظم	درگاهقلی شریف	مولانا محمد زمان یزدی	ملا میر التونی و علاء الملک
۴	آب‌انبار بالا	تاریخی. وقفیه	(۱۰۸۵ق) شاه سلیمان	نستعلیق	حجاری	نظم	×	×	حاج محمد
۵	آب‌انبار محمد باقران آیسک	تاریخی. احداثیه	(۱۰۸۸ق) شاه سلیمان	ثلث	حجاری	نثر	محمد تونی	×	حاج سلطان محمد
۶	آب‌انبار آهنگران	تاریخی. احداثیه	(۱۱۰۴ق) شاه سلیمان	نستعلیق	حجاری	نثر	×	×	حاجی حمزه

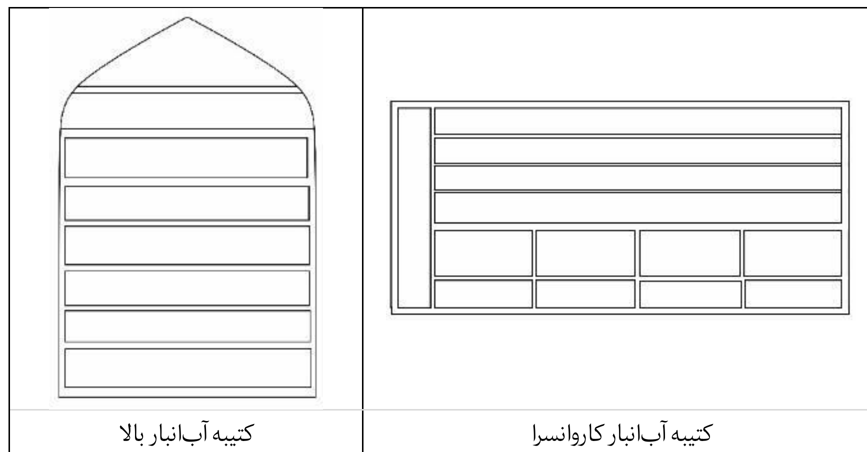
با توجه به جدول شماره ۱، تمامی آثار ذکرشده در این پژوهش جزو کتیبه‌های تاریخی هستند که اطلاعاتی چون نام بانی، نام خوشنویس، زمان احداث و دوره پادشاهی را بیان می‌کنند. محل قرارگیری کتیبه‌ها به‌گونه‌ای است که دیدن آن

توسط عموم مردم به سهولت امکان‌پذیر است. همچنین علاوه بر این، با توجه به‌سادگی و خوانایی آن‌ها، ظاهراً وجه پیام‌رسانی و درج مطالب تاریخی در این کتیبه‌ها اولویت داشته است. ذکر کلمه «وقف»، در کتیبه آب‌انبار بالا، صراحتاً این کتیبه را در زمره کتیبه‌های تاریخی-وقفیه قرار داده است. همان‌گونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود، تمامی نمونه‌های جامعه آماری، با روش حجاری انجام‌شده است. این امر به دلیل ماندگاری بیشتر و بهتر کتیبه‌هاست تا کارکرد اطلاع‌رسانی آن‌ها در طول زمان خدشه‌دار نشود. غیر از کتیبه آب‌انبار محمد باقران ، در سایر نمونه‌ها از قلم نستعلیق برای نگارش کتیبه‌ها استفاده‌شده است.

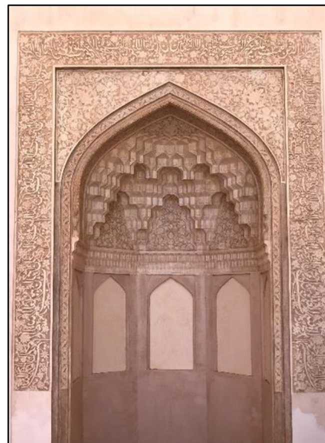
تعداد ۳ کتیبه از مجموع آثار، مربوط به دوران پادشاهی شاه سلیمان است که نشان از رشد بیشتر احداث بناهای عام‌المنفعه و وقفیات در این دوره دارد. در تمامی کتیبه‌های موردبررسی، اسامی بانی بنا ذکرشده و در چهار کتیبه، متن در قالب نظم بیان‌شده که حاوی ماده‌تاریخ در درون ابیات نیز هست. با توجه به جدول ۲، از منظر فرمی، کتیبه‌ها به دو قالب کلی چهارگوش و محرابی (هرکدام سه مورد) قابل‌تفکیک هستند که کادربندی ساده در اکثر آن‌ها مشهود است و خوانش راحت‌تر متن را امکان‌پذیر کرده است. به‌جز کتیبه حمام سرایان که یک زنجیره ساده هندسی در اطراف کادر حروف نقش بسته، سایر نمونه‌ها نقوش تزئینی ندارد و این امر تأکیدی است بر وظیفه اصلی کتیبه که اطلاع‌رسانی است.

جدول ۲: دسته‌بندی فرمی کتیبه‌های صفوی سرایان (مأخذ: نگارندگان)

چهارگوش	محرابی
کتیبه حمام	کتیبه آب‌انبار آهنگران
کتیبه مسجد آهنگران	کتیبه آب‌انبار محمد باقران



علاوه بر شش نمونه ذکرشده این پژوهش، در حاشیه محراب گچی مسجد جامع سرایان، سوره حمد با قلم نستعلیق، به‌صورت مستقیم و چپ‌نویسی، گچبری شده است (تصویر ۸). ازآنجاکه در این کتیبه تاریخ احداث یا اجرا ذکر نشده و نیز شواهدی متقن که صحت انتساب آن به دوره صفوی را تأیید کند وجود ندارد؛ در جامعه آماری این پژوهش گنجانده نشده است.



تصویر ۸: محراب مسجد جامع سرایان (مأخذ: انوشه طاهری)

تحلیل آیکونوگرافیک نمونه‌ها

مرحله دوم یا تحلیل شمایل‌نگارانه، نیازمند تلاش بیشتر در فرایند حصول معناست. در این مرحله، بر اساس ویژگی‌های صوری آثار هنری نمی‌توان به تحلیل شمایل‌نگارانه پرداخت و شناختِ پس‌زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی در کنار محتوای اثر، مجزا از فرم بررسی می‌شود (نصری، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۳). شناخت معانی ثانوی، از طریق آشنایی با مضامین و مفاهیم خاص به‌وسیله آشنایی با گونه‌های تاریخی مطرح می‌شود و خوانش آیکون، عمق بیشتری را در برمی‌گیرد. بر پایه خوانش آیکونوگرافیک، در تمامی نمونه‌ها، اهداکنندگان و سازندگان، استفاده از سنگ را جهت ساخت کتیبه‌ها بر دیگر مصالح ترجیح داده‌اند. دلیل این تصمیم، احتمالاً بادوام بودن و ماندگاری بیشتر سنگ نسبت به سایر مصالح بوده تا بدین طریق نام و فعل خود را جاودانه کنند. این کار انعکاسی از افکار اسلامی زمان و تداعی‌کننده این مطلب است که خیرات در حیات دنیوی، نامی نیکو و ماندگار با ثوابی ممتد برای حیات اخروی به همراه دارد. باید به این نکته نیز توجه داشت که دلیل انتخاب سنگ به‌جای کاشی علاوه بر آنچه گفته شد، عدم عمومیت و رواج کاشی در کل بناهای منطقه است. به‌کارگیری ماده‌تاریخ در کتیبه‌ها، دلیل دیگری بر تمایل بانیان و سازندگان بر ماندگاری و عدم تحریف تاریخی متن کتیبه‌ها است. ماده‌تاریخ، علاوه بر این‌که به‌واسطه آهنگین بودن، قابلیت ماندگاری ذهنی بیشتری دارد، قابلیت تحریف

زیادی ندارد و نمی‌توان به‌راحتی در آن دخل و تصرف نمود چراکه وزن و قافیه شعر مختل می‌شود. جایگاه نصب کتیبه‌ها به‌گونه‌ای است تا کاملاً در دید ناظران باشد (تصویر ۹) و کارکرد اصلی کتیبه که اطلاع‌رسانی است به بهترین نحو صورت پذیرد. در غالب نمونه‌ها، استفاده از تقارن و تناسب حاکم بر محل قرارگیری کتیبه و علاوه بر آن، رعایت تقارن عمودی در خود اثر نیز؛ نیاز به دیده شدن و خوانده شدن هرچه بیشتر کتیبه‌ها را مورد تأکید قرار داده است.



تصویر ۹: محل قرارگیری کتیبه‌های مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان)

کتیبه آب‌انبار آهنگران، آب‌انبار بالا و محمد باقران، دارای فرمی محرابی‌شکل است که در ادوار پیشین و نزد مسلمانان، تفاسیر گوناگونی دارد. حضور فرم محراب در معابد ایران باستان (مهرابه‌های مهرپرستان)، این فرم را فراتر از فرهنگ اسلامی معرفی می‌کند. در روایات پهلوی، واژه محراب ترجمه‌ای است از دو بخش مهر (خورشید) و آب (تلألؤ و درخشندگی) که در معنای رونق و شکوه آفتاب بوده است. این طرح پس از پذیرش اسلام، جهت بازنمایی قبله در مساجد مورداستفاده قرار گرفت. ازاین‌رو، محراب و طرح‌های محرابی، متأثر از باور ایرانیان باستان، نمادی از درگاه بهشت شناخته‌شده است (کاملی و امین پور، ۱۳۹۶: ۷۱). محراب محل تجلی خداوند است که نماد آن نور و چراغی است که در نوک محراب نصب می‌گردد. نمادی از شکل کامل انسان که دارای هاله نور است، یعنی کسی که معاد جسمانی‌اش با معاد روحانی، عملی گشته و راز تجلی خداوند در او محقق شده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۱۵۶). محراب جایگاه بسیار مهمی در نظام عبادی و توحیدی اسلام دارد و در فرهنگ شیعی، بیش از همه برای شیعیان، یادآور شهادت حضرت علی(ع) (جعفری‌دهکردی و ایزدی‌دهکردی، ۱۳۹۸: ۷۸) و بی‌شک یکی از دلایل ازدیاد به‌کارگیری این فرم در دوره صفوی است.

یاد امام حسین(ع) و دوستی او، انعکاس دیگری از افکار شیعی زمان و تداعی‌کننده این پیام است که هرکس به دوستی امامان معتقد باشد، در پی آن دوستی با خدا را به دست آورده است. این افکار در کتیبه آب‌انبار کاروانسرا و آب‌انبار بالا، نمود علنی یافته است. علاوه بر آن‌که آبِ حوض انبار بالا از زلالی و لطیفی، به چشمه‌ای بهشتی تشبیه گردیده و همچنین این تشبیه در آب‌انبار کاروانسرا با چشمه زمزم صورت می‌گیرد و با اشاره به عبارت «تشنه‌لب کربلا» و «یاد حسین» و «لعن یزید»، اعتقادات اثنی‌عشری بانیان، اظهار و تبلیغ شده است.

در کنار افزایش گرایش‌های شیعی، شواهد تاریخی، دوره صفوی را یکی از دوران مهم در شکوفایی وقف معرفی می‌کنند (رحیمی‌فر و عبدالقهار، ۱۳۹۲: ۴۲) که در این دوران با استناد به قرآن و آیات بی‌شماری که در مورد خیرات، انفاق، صدقات و خدمت به خلق است، کارهای عام‌المنفعه

جهت‌گیری بیشتری می‌یابد. در زمان شاه سلیمان، فردی به نام «حاجی محمد» به نیت وقف و امید به گشایش مشکلات خود، آب‌انبار بالا را احداث کرده است. علاوه بر این، حاج حمزه بانی آب‌انبار آهنگران، حاج سلطان محمد بنا بانی آب‌انبار محمد باقران و دوست‌محمد به‌منظور خیرات و دعای خیر برای درگذشتگان، بانی حمام سرایان شده است. بانی مسجد آهنگران، قاسم، بنا را احداث کرده تا توشه آخرتش باشد و جایگاهش، بهشت موعود بشود که وجه ترغیب و ترویج معاد و پاداش نیک در آن، کاملاً مشهود است. در کتیبه آب‌انبار کاروانسرا، پس از ذکر نام خدا و ستایش او، اشاره‌شده که احداث بنا به‌وسیله امیرالتونی، به اشاره برادرش فاضلخان تونی که یکی از فضلای دوره صفوی بوده، صورت گرفته است. این نکته را نیز باید در نظر داشت که در کنار نام بانیان، نام تنی چند از هنرمندان نیز درج‌شده است. ذکر نام خوشنویس (درگاهقلی الشریف[1] و محمد تونی) و شاعر (مولانا محمد زمان یزدی) در این آثار، نشان از جایگاه والای اجتماعی هنرمندان در این دوره دارد.

بسیاری از افراد ثروتمند برای حفظ و باقیماندن املاکشان در برابر خشم و غضب پادشاه که عقوبتی چون مصادره اموال داشت، با قباله‌ای عایدات املاک خود را برای نگاهداری مسجد یا مدرسه‌ای وقف می‌کردند زیرا که شاه صفوی از قدرت و حقوق کاملاً نامحدود برخوردار و به هرکاری مجاز بود و شاید تنها در امور مذهبی اختیاراتش کمی محدودتر می‌شد (شاردن، ۱۳۷۹: ۷۹). این مطلب شاید سبب روشن شدن رشد بالای وقفیات در دوره صفوی در دوران شاه صفی و شاه سلیمان در منطقه جنوب خراسان باشد و نیز سیاست ترویج و ترغیب مردم به احداث بناها و وقفیات با پاداش اُخروی وعده داده‌شده تا در درآمد حکومتی کشور هم صرفه‌جویی صورت گیرد.

مناقب ذکرشده در کتیبه‌ها با دو گونه متفاوت، به اثبات الوهیت و تقدس پادشاه و عدالت محوری او می‌پردازند که اشاره به نیای ایرانی-ساسانی و دیگری، اشاره به نسب نامه سیادت آنان دارد. القابی چون جمجاه و الموسوی الحسینی نمونه‌هایی از این اشارات است.

تفسیر آیکونولوژیک (شمایل شناسانه) نمونه‌ها

پانوفسکی مرحلهٔ سوم را در حکم بالاترین مرتبه قلمداد کرده و از آن به‌عنوان «شمایل‌نگاری به معنای عمیق‌تر» یاد می‌کند. این مرحله نیازمند اسناد و مدارک تاریخی معتبر و همچنین آشنایی با فرهنگ و سنّت جامعه‌ای است که اثر هنری و هنرمند در آن بوده‌اند (نصری، ۱۳۹۲: ۱۶). هنر سنتی، به دلیل خاستگاه و منبع الهام، از روان منفرد و مستقل بشری فراتر رفته و هنر، محمل و مجرای رحمتی است که از عالم معنا نشأت گرفته و در جای‌جای حیات دنیوی و اخروی حضور دارد (رحمتی، ۱۳۸۳: ۵).

در میان کتیبه‌های برجای‌مانده از دوره صفوی، یک کتیبه به قلم ثلث نگاشته شده است. قلم ثلث که از آن به امّ الخطوط نیز یاد می‌شود، در سطربندی گاهی با فاصله و گاهی کم فاصله و یا تودرتو با تمام حرکات و تزیینات آن نوشته می‌شود و خط کتیبه‌ای آن جلوه خاصی دارد (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۶۴). قامت حرف «الف» در خطوط مختلف متفاوت است ولی بلندترین حالت را در خط ثلث دارد که بین هفت الی هشت نقطه است (بلخاری، ۱۳۸۳: ۳۷). استفاده از این ویژگی در خط ثلث، گویی نظر و دیدگاه بیننده را به نوک محراب و آسمان جلب می‌کند. این حرف در اندیشهٔ صوفیان قدر و قیمت فراوان دارد زیرا که این حرف ابتدای کلمه الله، آدم و ابلیس است و افسانه‌ای در خود دارد (شیمل، ۱۳٦۸: ۱۴۲). «الف»، حرف وحدت و وحدانیت است و نیز شاعران هرگز از تشبیه الف به قامت کشیده و ظریف یار دست نکشیده‌اند (همان: ۱۷۸).

بیشترین حجم از آثار با قلم نستعلیق نوشته شده است که قلمی است ایرانی و شاید علاوه بر رواج آن در این دوره، راهی بوده بر تأکید بیشتر پادشاهان بر تبار ایرانی خود. در خط نستعلیق، میل حرکت به‌سوی انحنا که نماد حرکت و بی‌نهایت است، صورت می‌گیرد. به عبارتی، حرکت از سطح

---

۱. عنانی، محمدیان و شریف کاظمی (۱۳۹٤: ۱٤۷-۱٤۸) رقم آن را به‌اشتباه «العبد الضعیف درگاه بقلم الشریف» ذکر کرده‌اند. نام «درگاهقلی شریف» در انتهای کتیبه حجاری مسجد جامع کرمان به تاریخ ۱۰۷۲ق نیز دیده می‌شود: «نمقه الفقیر الحقیر الضعیف النحیف درگاهقلی الشریف» (خسروی‌بیژائم، ۱۳۹۸: ۵۰، ٤۸).

خطوط هندسی و متقارن به سمت خطوط منحنی و دایره‌وار، بیانی است از حرکت به سمت کمال و زیبایی (هاشمی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۹). به‌عنوان نمونه، حالات درونی خطوط نستعلیق حک‌شده بر کتیبه حمام سرایان، با دربرداشتن حروف دایره‌وار، بیانی از حرکت به سمت کمال و زیبایی همراه با آرامش دارد. استفاده از تقارن، تکرار و نظم هندسی حاشیه زنجیره‌وار کتیبه، در کنار خطوط منحنی متن، خردورزی و نظم این جهانی را با مفاهیم معنوی و عرفانی مستتر در دوایر سیال خطوط درهم‌آمیخته و ایجاد هماهنگی کرده‌اند که القاگر وحدت فرمی کتیبه است.

زبان اشکال و صور هندسی به همراه زبان اعداد، موجبات شکوفایی هنر اسلامی را فراهم آورده است. دایره کامل‌ترین شکل هندسی و نماد جهان است، گویی با اشاره بر تناسب و نظم این جهانی، درک از زیبایی در زندگی انسان حاضر در تمدن سنتی صورت می‌گیرد، او را از فضای هیولایی زندگی ناسوتی به سمت لاهوت و اتصال به غیب که مایه آرامشی همراه باکمال بی‌انتهاست، هدایت می‌کند (همان: ۱۹۷). نقوش زنجیره‌ای در حاشیه کتیبه یا محراب، سیر زمان را نشان می‌دهد که یادآور رشته هدایت‌کننده همه عوالم و موجودات است و این رشته چیزی جز حضور الهی نیست (رحمتی، ۱۳۸۳: ۲۱۲). تقارن غالب بر کتیبه‌ها، گویی نشان از نظم و امنیت حاکم بر زمانه و نظمی قانونمند در آفرینش پروردگار است و نیز، تقسیم‌بندی سطح کتیبه به هشت قسمت، اشاره‌ای به تقدس این عدد نزد مسلمانان دارد. تقسیم‌بندی هشت‌گانه که در کتیبه آب‌انبار بالا و مسجد آهنگران نیز دیده می‌شود، اشاره به تعداد فرشتگانی دارد که عرش آسمان را حمل می‌کنند. این عدد، به هشت‌بهشت (هشت مرتبه بهشت یا هشت درِ بهشت) و هشتمین مرحله سلوک نیز اشاره دارد (شیری‌لطف و عبدی، ۱۳۹۵: ۳۸). تقسیم‌بندی شش‌گانه در کتیبه‌های حمام، آب‌انبار محمد باقران و آب‌انبار آهنگران؛ می‌تواند نمادی از خلقت تلقی شود. بنا بر اعتقادات ادیان ابراهیمی، مدت خلقت شش روز به طول انجامید و مفهوم حقیقی خلق در مدت شش روز در سفر پیدایش، هدف بسیاری از شارحین یهودی و مسیحی بوده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

درباره بار معنایی برخی لغات که در متن کتیبه‌ها به‌کاررفته نیز چند نکته قابل‌تأمل است. در کتیبه مسجد آهنگران تشبیهی بین شاه صفی و انوشیروان ساسانی صورت گرفته[1] و شاه صفی را، در عدالت و دین‌داری، سرآمد خسرو انوشیروان دانسته که در تاریخ به عدالت در پادشاهی زبانزد است. با این‌که تقارن حاکم بر ساختار کتیبه، از عدل زمانه و آسایش دوران شاه صفی حکایت می‌کند؛ تضادی عمیق در این قیاس نهفته است. با نگاهی به واقعیت‌های زندگی شاه صفی، روشن می‌شود که این مدح، از روی ترس از جور حاکمیت زمان نگاشته شده است. شاه صفی که تا زمان پادشاهی در حرم پرورش‌یافته بود، طبعی خشن از محیط دربار به ارث برده بود. برای جانشینی فرمانروایی چون شاه‌عباس، هیچ‌کس از او نامناسب‌تر نبود. دوران سلطنت او چهارده سال طول کشید که سراسر توحش، بی‌شفقتی و هراس بود (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ٦۸). در زمان او، بر اساس معاهده صلح ایران و عثمانی، بین‌النهرین تا به امروز از ایران جدا شد و زیارت عتبات مانند گذشته، به‌راحتی میسر نمی‌گشت. بعد از معاهده، دیگر جنگی میان ایران و عثمانی درنگرفت؛ بنابراین تمامی تمرکز حاکمیت بر دفاع مرزهای شرقی بود و نیز برای پر کردن جای خالی زیارت عتبات، آبادانی بیشتر خراسان و رفاه حال کاروانیان جهت زیارت امام هشتم مبنای سیاستی حکومت شاه صفی و پس از آن قرار گرفت.

محدودیت و بحران منابع آبی در نواحی کویری ایران موجب شده که بسیاری از وقفیات بناها در مورد بهره‌مندی بهتر از منابع آبی در جهت رفاه حال مردم و دعای خیر آن‌ها باشد. ساختن آب‌انبار، حمام و وقف آن به‌عنوان یک سنت حسنه و وظیفه اجتماعی بود که توسط اغنیا و افرادی که دارای مکنت مالی بودند صورت می‌گرفت و توسط اهالی هر محل، اداره می‌شد و از کسی مبلغی برای استفاده از آن اخذ نمی‌گردید. وقف سنت حسنه‌ای است که از دیرباز به اشکال

۱. صفویان با اظهار این مطلب که امام حسین(ع)، با دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی ازدواج‌کرده است، شیعیان را میراث دار سلطنت کهن در ایران و حق الهی شاهان ایران که منشأ آن «فرّ ایزدی» آنان بود، می‌دانستند (سیوری، ۱۳۹٦: ۲٦).

گوناگون در تاریخ بشر وجود داشته و اسلام نیز آن را در مسیری روشن، هدف‌دار مورداستفاده قرار داده است. استمرار، ویژگی بارز آن است، چنانکه در مصرع «که باد تا بود این چرخ نیلگون در سیر» به شرایط وقف که استمرار و دوام آن است؛ تأکید شده زیرا نظر همهٔ فقهای امامیه در صحت وقف، دوام و تأیید آن است یعنی نباید به زمانی معین شود (حائری‌یزدی، ۱۳۸۰: ۹۶).

واژه «تسنیم» در متن کتیبه آب‌انبار کاروانسرا (این برکه که می‌دهد ز تسنیم سروش) به معنی چشمه‌ای در بهشت است که آب آن از بلندی فرومی‌ریزد. سروش یا فرشته پیام‌آور، در اوستا از ایزدان بزرگی است که بر نظم جهان مراقبت دارد، پیمان‌ها را می‌پاید و فرشته نگهبان خاص زردشتیان است. برای نگهبانی آفریدگان، نخوابیده و همه دیوان از ترس او به تاریکی می‌روند (بهار، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۷۸). همان‌گونه که زلالی آب آن با آب «زمزم» قیاس گردیده، آب حوض انبار بالا نیز از زلالی و لطف، به چشمه «سلسبیل» در بهشت تشبیه شده است. بنابراین دیدگاه، این دو آب‌انبار به پیام‌آورانی تشبیه شده‌اند که چشمه‌های بهشت را مژده می‌دهند و معاد و جایگاه خوش مؤمنان و بانیان بنا را یادآوری می‌کنند. این یادآوری پنهان در متن کتیبه‌های سنگی، کارکردی تبلیغاتی دارد و امربه‌معروفی صورت می‌گیرد که در پیشبرد اهداف نظام و آبادانی بیشتر کارساز است. در کنار آن، با اشاره به صحرای کربلا و تشنگی همراهان امام حسین(ع) و لعن بر یزید، صراحتاً به اعتقادات شیعی اثنی‌عشری و اینکه امام حسین(ع)، درِ ورود به بهشت و نور ازلی الله بر روی زمین است، اشاره می‌کنند. آب‌انبار کاروانسرا در دوران سیزده‌ساله فرمانروایی شاه‌عباس دوم، توسط مولی عبدالله بن محمد تونی بشروی معروف به فاضل تونی، عارف، فقیه و دانشمند سده‌های دهم و یازدهم هجری که زادگاه وی، بشرویه از توابع تون بوده، ساخته‌شده است. او به همراه برادرش ملا احمد، در مدرسه مولی عبدالله تستری اصفهان به تحصیل اشتغال ورزید. از او با عنوان فاضل تونی یاد می‌کنند که اصل این لقب را شاه‌عباس دوم به وی داده است. وی به نگارش اصول روی آورد و تألیفات متعددی در این زمینه از خود بر جای گذاشت که کتاب الوافیه از همه مشهورتر است (یاحقی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). وی، صاحب کتاب پادشاه نامه و واقف مدرسه فاضلیه در مشهد نیز بوده است که بنای آن در ۱۰۷۵ق به اتمام رسیده است (حقدادی، ۱۳۹۰: ۵۵۱) سرانجام در راه سفر به کربلا، در ربیع‌الاول ۱۰۷۱ق در کرمانشاه درگذشت (یاحقی، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

شاعر کتیبه آب‌انبار فاضلخانی، مولانا محمد زمان یزدی است. «مولانا محمد زمان رونقی از باقفی اصل بود و در زمان شاه‌عباس روزگار می‌گذراند، به شهر یزد آمده و به تحصیل دانش پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. در ایامی که مولانا در شهر یزد بود، در مری آباد که در حومه شهر بود، سکنی گزید و در همان‌جا چشم از دنیا بربست» (ریحان، ۱۳۷۲: ۵۷۷). درگاهقلی الشریف، راقم کتیبه است که اثری هم در مسجد جامع کرمان از او موجود است. نام «درگاهقلی شریف» در انتهای کتیبه حجاری این مسجد به تاریخ ۱۰۷۲ق نیز دیده می‌شود: «نمقه الفقیر الحقیر الضعیف النحیف درگاهقلی الشریف» (خسروی‌بیژائم، ۱۳۹۸: ۵۰، ۴۸). بنا بر تاریخ کتیبه، احتمالاً درگاهقلی شریف، همان درگاهقلی بیک افشار[۱] حاکم کرمان است. این مطلب روشن‌کننده این موضوع است که اصول ادبی و زیبایی کتیبه آب‌انبار فاضلخانی برای بانی مهم بوده و نیز بانی دارای مرتبه اجتماعی معتبری بوده که خوشنویسی در کرمان و شاعری در یزد، درخواست همکاری وی را اجابت کرده‌اند. این نکته که شاعر و کاتب کتیبه آب‌انبار کاروانسرا، اهل و ساکن سرایان نبوده‌اند، نشان از گسترش روابط فرهنگی سرایان با یزد و کرمان در این دوره دارد. متأسفانه اطلاعاتی در مورد دوست‌محمد (بانی حمام سرایان) به دست نیامده، اما با

۱. درگاه قلی بیگ یکی از نوادگان بیرام بیگ افشار و از امرای اواخر دوره صفویه و رئیس ایل افشار در کرمان بوده که در ۱۱۰۸ق وفات یافته است. مقبره او در تخت درگاه قلی بیگ در جنوب شرقی کرمان و در دامنه کوه قلعه دختر قرار دارد (نجمی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). متأسفانه شرح‌حال بیشتری از وی در منابع خوشنویسی موجود نیست. بررسی منابع تخصصی مانند احوال و آثار خوشنویسان اثر مهدی بیانی، تذکره الخطاطین اثر محمدصالح اصفهانی، مناقب هنروران اثر عالی افندی، تذکره خوشنویسان اثر مولانا غلام محمد هفت‌قلمی دهلوی، اطلس خط اثر حبیب‌الله فضائلی و غیره در این زمینه اطلاعی به دست نداده است.

توجه به مصرع «نیت ساعی بخیر بود»، نیت واقف بنا، خیرات بوده است. احتمالاً انتخاب قالب شعری قطعه، به دلیل مضمون تعلیمی نهفته در بُن عَمل است، زیرا که این قالب شعری برای مضامینی چون مسائل اخلاقی، پند و اندرز و تعلیمی به کار می‌رود (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۹۰). شعر کتیبه آب‌انبار کاروانسرا مستزاد[۱] است که در کتیبه‌های صفوی یگانه است و نمونه مشابهی ندارد.

در کتیبه آب‌انبار آهنگران، استفاده از عبارت «جمجاه ملائک سپاه» به معنی پادشاه بزرگی که دارای مقام و منزلتی مانند جم (جمشید شاه) است، اشاره به پیشینه ایرانیان و پادشاه اسطوره‌ای آن، جمشید دارد؛ چراکه صفویان ایرانی بودند و نخستین دولت مستقل را در ایران بعد از سقوط امپراتوری ساسانی پدید آوردند. آن‌ها توانستند احیاکنندۀ مرزهای سنتی و بسیاری از ارزش‌های ایران باستان باشند که بعد از حمله اعراب به دست فراموشی سپرده‌شده بود. به‌کارگیری واژه «خاقان» (در کتیبه آب‌انبار محمد باقران) با توجه به اینکه لقب پادشاهان ترک و چین (به معنای خانِ‌خان: شاهنشاه) است، نشان‌دهنده تداوم سنتی است که از سلطه تاتار و مغول در ایران به یادگار مانده است. از دیگر سو، شاه سلیمان با لقب «الموسوی» و «الحسینی» عنوان‌شده که بدین گونه نسب صفویه را به امام موسی کاظم(ع) و امام حسین(ع) می‌رساند. به‌کارگیری توأمان این القاب نشان‌دهنده تأکید دربار صفوی بر ریشه همزمان ایرانی-اسلامی آنان است. شاه سلیمان نیز مانند جدش شاه صفی، آنچه بر احوالاتش غلبه داشت، جنایت و جنون بود. دوران سلطنت او سراسر بی‌رحمی، بی‌ثباتی و خشونت بود. باوجود فقر و انحطاطی که ایران را فراگرفت، شاعران عصر، وی را سلیمان ثانی خواندند و به‌کفایت و درایت وجود ستودند (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۷۶). علاقه او به صلح، اصلی‌ترین سیاست او بود. در این دوره، مرزهای غربی کشور در آرامش بود زیرا عثمانی‌ها درگیر جنگ با اروپائیان بودند و توجه حکومت مرکزی برای پاسداری از نقاط شرقی کشور در برابر ازبکان بود. این بخش به مدت شش سال موردحمله ازبکان بود که بالاخره توسط حکومت مرکزی عقب رانده شدند. دوران سلطنت او، بدون جنگ یا فتح بزرگی بود و اکثر اوقات در صلح و مشغول عیاشی سپری شد (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۱۲۲). بیشترین آثار این پژوهش نیز در دوران شاه سلیمان بوده که نشان از تمرکز حکومت بر رسیدگی و آبادانی منطقه و دفاع از مرزهای شرقی است.

نتیجه‌گیری

خوشنویسی، شناخته‌شده‌ترین هنر در جهان اسلام است و تکرار فراوان کتیبه‌های مأخوذ از قرآن کریم بر دیوار مساجد و سایر ابنیه، تأکید و تأییدی بر این حقیقت است. بااین‌حال، در کتیبه‌های جامعه آماری پژوهش حاضر، مضمون احداثیه و معرفی بانیان و سازندگان آن‌ها بیشتر جلب‌توجه می‌کند. این کتیبه‌ها دربرگیرنده نام خدا، هدف و نیت کار، نام پادشاه و حامی و تاریخ بنا است. تمامی نمونه‌ها در زمره کتیبه‌های تاریخی محسوب می‌شوند. ازجمله افرادی که نام آن‌ها در کتیبه‌ها درج شده، علاوه بر شاه صفی و شاه سلیمان، می‌توان به درگاهقلی شریف و محمد تونی (خوشنویس)، مولانا محمد زمان یزدی (شاعر)، دوست‌محمد، قاسم، ملا میر تونی، علاءالملک فاضلخان، حاج سلطان محمد، حاجی حمزه و حاج محمد (بانی)، اشاره کرد. علاوه بر این، با توجه به مضمون، جایگاه کتیبه‌ها در محل دید ناظران و خوانایی خطوط آن، هدف دیگر به‌کارگیری این آثار مکتوب، تبلیغ اصول دینی و افکار شیعی بوده است. دقت در تناسب و تقارن حاکم بر آثار، تأکیدی بر بهتر خوانده شدن و دیده شدن آن‌ها است. جنس همه کتیبه‌ها از سنگ است، زیرا دوام بیشتری در مواجهه با آب و هوای منطقه دارد. از شش کتیبه موردپژوهش، سه کتیبه به دوران سلطنت شاه سلیمان تعلق دارد و می‌توان گفت که آبادانی و رسیدگی حکام در این دوران بیشتر از دیگر پادشاهان بوده است. با بررسی آثار دوران

۱. مستزاد کاربرد زیادی در ادب فارسی ندارد و از قرن پنجم شروع و از قرن هشتم به بعد کامل می‌گردد (رزمجو، ۱۳۸۵: ۵۲). در نوحه‌سرایی نیز کاربرد وسیع داشته است و در تذکره‌های عهد صفوی، شواهدی بر تصنیف گویی بر مستزادها دیده می‌شود (راغبیان و خدایی، ۱۳۹۰: ۸۵) ابن یمین فریومدی (۷۶۶ق)، وزیر خراسان از قدیمی‌ترین مستزاد گویان، شیعه‌مذهب بوده و بیشترین تعداد مستزاد را دارد و به گفته دولتشاه سمرقندی مداح سربداران بوده است (همان: ۸۷). شعر این کتیبه، نشان از سابقه‌دار بودن این سبک شعری در خراسان است.

صفوی می‌توان اذعان کرد که مهم‌ترین قلم رایج آن دوران نستعلیق بوده است. چهار کتیبه با قلم نستعلیق، یک کتیبه (آب‌انبار کاروانسرا) به قلم‌های ثلث و نستعلیق و یک کتیبه (آب‌انبار محمد باقران) به خط ثلث است.

نتایج مطالعات آیکونولوژیک نشان می‌دهد که در تمامی نمونه‌ها، اشاراتی آشکار و پنهان به عقاید مذهبی شیعی و نسب‌نامه پادشاهان صفوی وجود دارد. تمجید از دوران پادشاهی شاهان و عدالت حاکمیت، جزو اولویت‌های اصلی کتیبه‌ها است که در چهار اثر از شش اثر موجود، دیده می‌شود. البته این مورد در کتیبه حمام و آب‌انبار فاضلخانی وجود ندارد و ذکری از پادشاه وقت و مدح او صورت نگرفته است. دو کتیبه شامل تمجید پادشاه با القاب حسینی و موسوی است و در دو کتیبه دیگر از مجموع شش اثر، تشبیهی بین شاه و نیاکان اسطوره‌ای-ایرانی صورت گرفته که مایه مباهات صفویان بوده و با اظهار این مطلب، شیعیان را میراث‌دار کهنِ سلطنت در ایران می‌دانسته‌اند. مضمون وقفیه نیز در میان کتیبه‌ها دیده می‌شود. گویا ترویج سنت حسنه وقف، سیاستی چندجانبه بوده که در کنار آبادانی بیشتر منطقه بدون دخالت حکام و خزانه دولت، بانیان و سازندگان را ترغیب می‌کرده که برای کسب احترام از سوی جامعه و ثواب اخروی، در پی انجام خیرات باشند. متن چهار کتیبه، نظم است و مضامین در قالب‌های شعری قطعه و مستزاد بیان شده است که نشان از پیشینه آن در خراسان دارد. علاوه بر این، کتیبه‌های منظوم در خراسان عصر تیموری شکل‌گرفته که از نظر محتوا شامل مضامین عرفانی و حکیمانه‌ای نظیر فانی بودن دنیا، باقی ماندن کردار نیک و بد انسان‌ها بوده است. درمجموع، می‌توان کتیبه‌های صفوی سرایان را به‌عنوان آثاری قلمداد کرد که زاده بستر مذهبی، درباری، اعتقادی و ادبی این منطقه بوده و در قالب حجاری و خوشنویسی، نمود پیدا کرده است. تحلیل زیبایی شناسانه این آثار و تطبیق آن با سایر نمونه‌های صفوی خراسان بزرگ، می‌تواند از پژوهش‌هایی باشد که توسط پژوهشگران در آینده صورت پذیرد.

فهرست منابع

۱. اشرفی، احمد. (۱۳۹۱). «جایگاه خراسان در سیاست مذهبی شاهان صفوی». ***پژوهشنامه تاریخ***. (شماره ۲۶)، ۱-۲۲.

۲. بلر، شیلا. (۱۳۹۴). ***نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران‌زمین***. ترجمه مهدی گلچین عارفی. تهران: فرهنگستان هنر.

۳. بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). ***پژوهشی در اساطیر ایران***. تهران: آگه.

۴. بلخاری، حسن. (۱۳۸۳). ***سرگذشت هنر در تمدن اسلامی***. تهران: سوره مهر.

۵. جعفری‌دهکردی، ناهید؛ و سیده مریم ایزدی‌دهکردی. (۱۳۹۸). «نماد و نمون قدمگاه در تاریخ شرق، با تأکید بر نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی». ***هنرهای زیبا***. (شماره ۲)، ۸۰- ۶۹.

۶. جمال، نادیه ا. (۱۳۸۳). ***بقای بعد از مغول (نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلی در ایران)***. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزان.

۷. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ و علی قلی‌زاده. (۱۳۸۶). «دولت صفوی و هویت ایرانی». ***مطالعات ملی***. (شماره ۴)، ۲۸-۳.

۸. حائری‌یزدی، محمدحسن. (۱۳۸۰). ***وقف در فقه اسلام و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۹. حقدادی، کوکب. (۱۳۹۰). ***سرایان، زمرد کویر***. مشهد: رستگار.

۱۰. خسروی‌بیژائم، فرهاد. (۱۳۹۵). «پیدایش کتیبه‌نگاری نستعلیق در تزئینات معماری دوره تیموری ایران و سیر تحول آن در دوره صفوی». ***رساله دکترا***. اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.

۱۱. خسروی‌بیژائم، فرهاد. (۱۳۹۷). «سیر تحول کتیبه‌نگاری نستعلیق در بناهای صفوی خراسان جنوبی». **دومین همایش ملی نقش خراسان در شکوفایی هنر و معماری ایرانی اسلامی**. مشهد: مرکز آموزش عالی فردوس.

۱۲. خسروی‌بیژائم، فرهاد. (۱۳۹۸). «شناسایی و معرفی خوشنویسان کتیبه‌های نستعلیق در بناهای دوره صفوی ایران». ***نگره***. (شماره ۴۹). ۵۳-۳۹.

۱۳. راغبیان، مرضیه؛ و عاطفه خدایی. (۱۳۹۰). «بررسی قالب مستزاد با تأکید بر جُنگ ۱۳۷۹۴ کتابخانه مجلس». ***پیام بهارستان***. (شماره ۱۴)، ۱۰۴-۷۷.

۱۴. رجبی، نجیب الله؛ و همکاران. (۱۳۹۴). ***تاریخ خراسان جنوبی***. تهران: شهرآشوب.

۱۵. رحمتی، انشاالله. (۱۳۸۳). ***هنر و معنویت (مجموعه مقالات در زمینه حکمت هنر)***. تهران: فرهنگستان هنر.

۱۶. رحیمی‌فر، مهناز؛ و سعیداف عبدالقهار. (۱۳۹۲). «موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف‌نامه‌ها». ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. (شماره ۱۲)، ۷۱-۴۱.

۱۷. رزمجو، حسین. (۱۳۸۵). ***انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی***. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۱۸. ریحان، علیرضا. (۱۳۷۲). ***آینه دانشوران***. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی.

۱۹. زارعی، علی؛ و همکاران. (۱۳۹۱). «تاریخچه مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی جنوب خراسان». ***مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***. (شماره ۲۳-۲۲). ۶۰-۲۷.

۲۰. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). ***روزگاران دیگر (از صفویه تا عصر حاضر)***. تهران: سخن.

۲۱. سیوری، راجر. (۱۳۹۶). ***ایران عصر صفوی***. مترجم: کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.

۲۲. شاردن، ژان. (۱۳۷۹). ***سفرنامه شاردن؛ قسمت اصفهان***. ترجمه حسین عریضی. اصفهان: گل‌ها.

۲۳. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). ***انواع ادبی***. تهران: فردوس.

۲۴. شیری‌لطف، لیلا؛ و ناهید عبدی. (۱۳۹۵). «مطالعه آیکونوگرافیک رابطه‌ی تزیینات هندسی و کتیبه "در" خاتم به شماره ثبتی (۹۰۱) موجود در موزه حرم عبدالعظیم حسنی-(ع)». ***چیدمان***. (شماره ۱۴)، ۴۲-۳۴.

۲۵. شوالیه، ژان؛ و آلن گربران. (۱۳۸۷). ***فرهنگ نمادها***. ترجمه سودابه فضایلی. تهران: جیحون.

۲۶. شیمل، آن‌ماری. (۱۳۶۸). ***خوشنویسی و فرهنگ اسلامی***. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.

۲۷. صفاکیش، حمیدرضا. (۱۳۹۰). ***صفویان در گذرگاه تاریخ***. تهران: سخن.

۲۸. عزیزی، محمد. (۱۳۷۷). ***دیار آفتاب (خراسان شناسی)***. تهران: روزگار.

۲۹. عنانی، بهرام. (۱۳۹۵). «بررسی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان سرایان». ***قهستان در دینه***. گردآوری رضا خزاعی و بهرام عنانی. بیرجند: چهار درخت.

۳۰. عنانی، بهرام؛ و همکاران. (۱۳۹۴). «سیمای وقف نامه در آب‌انبارهای سرایان در خراسان جنوبی». ***وقف میراث جاویدان***. (شماره ۹۰)، ۱۶۲-۱۴۱.

۳۱. فضائلی، حبیب‌الله. (۱۳۶۲). ***اطلس خط***. اصفهان: مشعل.

۳۲. فغفوری، رباب؛ و حسن بلخاری. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی مضمون کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و مبانی اعتقادی شیعه در دورهٔ تیموری و صفوی». ***نگره***. (شماره ۳۵)، ۵-۱۷.

۳۳. کاملی، شهربانو؛ و احمد امین پور. (۱۳۹۶). «مطالعه نگاره‌های نمادین خورشید در محراب و سنگ‌قبرهای محرابی‌شکل قرن ۴ تا ۷ق». ***مطالعات تطبیقی هنر***. (شماره ۱۳)، ۶۳-۷۷.

۳۴. گاور، آلبرتین. (۱۳۶۷). ***تاریخ خط***. ترجمه عباس مخبر و کوروش صفوی. تهران: مرکز.

۳۵. محمودی‌نسب، علی‌اصغر. (۱۳۹۳). ***بافت تاریخی سرایان با تکیه‌بر اقلیم گرم و خشک منطقه***. تهران: سمیرا.

۳۶. مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۶). «طبقه‌بندی کتیبه‌ها در معماری دوره صفوی». ***مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی مکتب اصفهان***. به اهتمام مهدی صحراگرد. تهران: فرهنگستان هنر.

۳۷. میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق. (۱۳۸۷). ***کتیبه‌های یادمانی فارس: بناهای قرن هفتم تا دهم هجری***. تهران: فرهنگستان هنر.

۳۸. نجمی، شمس‌الدین. (۱۳۸۷). «مراکز علمی و آموزشی کرمان در عصر صفوی». ***دانشنامه***. (شماره ۳)، ۱۵۷-۱۴۹.

۳۹. نصری، امیر. (۱۳۹۲). «خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی». ***کیمیای هنر***. (شماره ۶)، ۲۰-۷.

۴۰. نوایی، عبدالحسین؛ و عباسقلی غفاری‌فرد. (۱۳۹۲). ***تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه***. تهران: سمت.

۴۱. نیستانی، جواد؛ و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی باستان‌شناختی بافت تاریخی شهر سرایان». ***جامعه‌شناسی تاریخی***. (شماره ۱)، ۳۲۷-۳۰۵.

۴۲. هاشمی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۸۵). «تأملی در مبانی عرفانی صفا و شان در رسالهٔ آداب المشق». ***گلستان هنر***. (شماره ۵)، ۱۴۵-۱۳۹.

۴۳. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۲). ***فرهنگ نام‌آوران خراسان***. مشهد: به نشر.

44. URL: https://www.google.com/maps